



## Durrani History According to Coins

Fatemeh Danesh Yazdi\*

1. Ph.D Student of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Central Tehran Branch

Received: 2020/11/16 | Accepted: 2021/01/04

### Abstract

A coin is a living and expressive historical document containing valuable information. It depicts the political, artistic, economic, and religious attitudes of a society and one can achieve a prominent part of the characteristics of a society's culture and civilization from what is engraved on it.

Following the conquest of a country, particularly a city whose name was minted on the coin, the right to mint coins was regarded as one of the rulers' most fundamental rights and privileges. It was equated to giving a sermon and was seen as an acknowledgment of the ruler's dominion and sovereignty.

Numismatics can help us understand a part of oral history that over time was not recorded at the discretion of the monarchs or was lost as a result of historical events. Although the "Abdali" dynasty, afterward known as the "Durrani", may lead the mind to the history of Afghanistan, it is important to remember Iran's territory in the 12th century AH. However, Afghan tribes' temporary domination over a part of Khorasan should not be neglected.

Though the Durrani established an independent government in Afghanistan concurrently with the Zandiya and Qajar governments between 1160 and 1242 AH, they still saw themselves as Iranian tribes like the Baloch, Lor, etc. so that one could observe the heavy influence of Iran's culture on Afghan's during this period. For instance, the coins that were struck by Durrani in Mashhad in less than a century, demonstrate the recognition of the Persian script and language.

**Keywords:** Durrani, Abdali, Coin, Afghanistan, Iran.

Copyright © 2020-2021 Cultural Heritage Records Studies. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, provided the original work is properly cited.



Danesh Yazdi, Fatemeh. (2021). Durrani History According to Coins; *Cultural Heritage Records Studies*, 4(1), 1-19.

Corresponding Author: Fatemeh Danesh Yazdi, Ph.D Student of History and Civilization of Islamic Nations, Islamic Azad University, Central Tehran Branch. E-mail: [fdanesh2010@yahoo.com](mailto:fdanesh2010@yahoo.com)



## تاریخ درانی به روایت سکه

فاطمه دانش‌یزدی\*

۱- دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

دریافت: ۹۹/۰۸/۲۶ | پذیرش: ۹۹/۱۰/۱۵

### چکیده

سکه یکی از اسناد تاریخی زنده و گویاست که مطالعه مطالب منقور بر روی آن حاوی اطلاعات ارزشمندی است که نمایانگر اوضاع سیاسی، هنری، اقتصادی و نگرش‌های مذهبی است و می‌تواند بخش مهمی از شاخصه‌های فرهنگ و تمدن یک جامعه را از آنها دریافت کرد.

حق ضرب سکه، یکی از اساسی‌ترین حقوق و امتیازات فرمانروایان به شمار می‌رفت که پس از تصرف کشور و به‌خصوص شهری که نام آن بر روی سکه ضرب می‌شد، همانند خطبه خواندن؛ به منزله به رسمیت شناختن سروری و سلطه آن فرمانروا تلقی می‌گشت. مطالعه سکه‌ها، گوشه‌ای از تاریخ‌های شفاهی را برای ما روشن می‌سازد که در گذر زمان و یا به صلاحدید پادشاهان، به نگارش در نیامده و یا در حوادث زمان از بین رفته است. شاید نام سلسله «ابدالی» که بعدها به «درانی» معروف گردیدند، ذهن را بیشتر به سوی تاریخ افغانستان سوق می‌دهد، در حالی که حدود قلمروی ایران در قرن دوازدهم هجری و تسلط مقطعی این طایفه از افغان‌ها، بر بخشی از خراسان را نباید نادیده انگاشت.

اگرچه درانی‌ها، مقارن با حکومت زندیه و قاجاریه در فاصله سال‌های (۱۲۴۲ - ۱۱۶۰ ه. ق) حکومتی مستقل در افغانستان ایجاد کردند، اما خود را هم چون طایفه‌های دیگر ایران نظیر بلوچ، لر و ... می‌دانستند، همان‌طور که تأثیر فرهنگ ایرانی در این دوره در افغانستان را می‌توان به وضوح مشاهده کرد. به‌طورمثال، رسمیت شناختن خط و زبان فارسی را در سکه‌هایی که از درانی‌ها به فاصله کمتر از یک قرن، در مشهد ضرب شده، می‌توان مشاهده کرد.

**واژه‌های کلیدی:** درانی، ابدالی، سکه، افغانستان، ایران.

کپی رایت © دو فصلنامه مطالعات اسناد میراث فرهنگی : دسترسی آزاد؛ کپی برداری، توزیع و نشر با ذکر منبع آزاد است.

دانش‌یزدی، فاطمه (۱۴۰۰). تاریخ درانی به روایت سکه؛ مطالعات اسناد میراث فرهنگی، ۴ (۱): ۱-۱۲.



\* نویسنده مسئول: فاطمه دانش‌یزدی، دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز

پست الکترونیک: fdanesh2010@yahoo.com

## مقدمه

در طول تاریخ پر فراز و نشیب ایران، این سرزمین همواره شاهد حملات گروه بیگانه‌ای بود که پس از استقرار در این خطه، خود را با فرهنگ و تمدن آن عجین کرده و زمانی در آن حکومت نمودند. هجوم مغول، اگرچه منجر به ویرانی‌های بسیاری شد، اما تعامل دو فرهنگ مغولی و ایرانی موجب استقرار دو حکومت ایلخانی و تیموری گردید. مورد دیگر، حملات افغان‌ها (حکومت افغان‌ها در ایران)، ترکمان‌ها (حکومت آق قویونلو و قراقویونلو) است که بر فرهنگ ایرانی همانند هنر (خصوصاً نقاشی، تذهیب، مینیاتور)، تزئینات معماری و غیره تأثیرات شایانی گذاشت و در آداب و رسوم و بحث فرهنگ عامه، به‌خصوص گویش، نقش بسزایی داشته است؛ به‌طوری که بسیاری از گویش‌های سُغدی، مغولی و ترکی وارد زبان فارسی شدند. اما نباید این امر را نادیده گرفت که گروه‌های بیگانه بعد از مدتی چنان با فرهنگ ایرانی خو گرفتند که برای بقای حکومت خویش، حتی وامدارگرایش‌های مذهبی زمان خود بودند. در اسنادی چون: کتیبه‌ها و سکه‌ها نیز شاهد تداوم زبان و خط رسمی ایران، بدون هیچ تغییری از سوی آنان هستیم.

سلسله دُرّانی‌ها یا ابدالی‌ها، که نام آن در تاریخ ایران کمتر به چشم می‌خورد، از گروه‌های متخاصمی بودند که کمتر از یک قرن در ایران، به ویژه در بخش خراسان امروزی، نفوذ چشمگیری داشتند. اما با توجه به اینکه همزمان با حکومت افشاریه و بعد از آن، سکه‌هایی از آنان در مشهد دیده می‌شود، تنها به معرفی اجمالی این حکومت پرداخته می‌شود.

## چگونگی به قدرت رسیدن دُرّانیان

تاریخ مستقل افغانستان، به‌طور کلی از سال ۱۱۶۰ هجری آغاز می‌شود، زیرا پس از سقوط دولت غوریان در این ناحیه، دیگر دارای سلسله مستقلی نبود و غالباً

ضمیمه ممالک بزرگ دیگر محسوب می‌شد؛ چنانکه در ابتدا جزء دولت ایلخانی و تیموری در ایران و پس از آن، گاهی ضمیمه حکومت بابرین هند<sup>۱</sup> بود. اما در اکثر مواقع، بین دو دولت ایران و هند تقسیم می‌شد، به‌طوری که کابل و قندهار در دست دولت هند و هرات در دست دولت ایران بود. با روی کار آمدن دولت افشاریه در ایران در سال ۱۱۵۰ هجری، نادرشاه توانست کابل و قندهار را نیز به قلمروی ایران اضافه کند. این وضعیت تا زمان مرگ نادر در سال ۱۱۶۰ هجری، ادامه داشت؛ اما پس از وفات وی، افغان‌ها استقلال پیدا کردند و به رهبری شخصی با نام «احمد خاندُرّانی»<sup>۲</sup> حکومت مستقل افغانستان را با نام «دُرّانی یا ابدالی» تشکیل دادند (لین پل، ۱۳۶۳: ۲۹۹).

منابع تاریخی در خصوص پیشینه طایفه ابدالی<sup>۳</sup> چنین نوشته‌اند که این طایفه تا مدت‌های مدیدی در قندهار سکونت داشتند، اما در اوایل سلطنت شاه عباس اول صفوی، بر اثر فشار طایفه غلزایی<sup>۴</sup> به اطراف هرات کوچ کردند. شاه عباس در سال ۱۰۰۶ هجری، شخصی به نام «سدو» از طایفه «پوپلزایی»<sup>۵</sup> را به رهبری این قبیله تعیین نمود و وی را «امیر افغانه» لقب داد. بدین ترتیب ابدالی‌ها تا اواخر حکومت شاه سلطان حسین

<sup>۱</sup> بابرین = سلسله‌ای از سلاطین مغول هندی در سال‌های ۹۳۲ هجری تا ۱۲۶۴ هجری

<sup>۲</sup> از پادشاهان سلسله دُرّانی به ترتیب می‌توان به موارد زیر اشاره نمود: (باسورث، ۱۳۷۱: ۳۱۰) ۱- احمد شاه دُرّانی ۱۱۶۰ هجری ۲- تیمورشاه ۱۱۸۷ هجری ۳- زمان‌شاه ۱۲۰۷ هجری ۴- محمود شاه (دوره اول) ۱۲۱۵ هجری ۵- شاه شجاع (دوره اول) ۱۲۱۸ هجری ۶- محمود شاه (دوره دوم) ۱۲۲۴ هجری ۷- علی شاه ۱۲۲۳ هجری ۸- شاه شجاع (دوره دوم) ۱۲۵۵.

<sup>۳</sup> این طایفه نام خود را بر اساس روایات خود، از فردی به نام «ابدال یا اودال بن ترین بن شرحیون بن سربن قیس» گرفته‌اند. وی از مریدان «خواجه محمد ابدال چشتی» بود و خواجه محمد، لقب ابدال را به وی داده بود (لکهارت، ۱۳۶۸: ۱۱۱).

<sup>۴</sup> غلزایی از طوایف معروف افغان است.

<sup>۵</sup> ابدالیان مرکب از چند طایفه (تیره) به نام‌های پوپلزایی، سدوزایی، محمد زایی و... بوده‌اند (شیرازی، ۱۳۷۹: ۶).



جهت ایجاد قدرت منطقه‌ای شد. احمد خان نیز همچون دیگر سرکردگان سپاه نادر، دسته افغانان تحت فرمان خود را با خود از اردوی نادر به سوی نادرآباد قندهار رهسپار کرد و در تلاش بود تا با ایجاد اتحاد با برخی از خوانین محلی، رقبای اصلی خود را در حاشیه قرار دهد و گامی مهم، برای صلاحیت و شایستگی خود در تصرف قندهار بردارد (حسینی جامی، ۱۳۸۴: ۱۵).

سپاه افغان که شامل ۴۰۰۰ نفر غلزایی و ۱۲۰۰۰ نفر ابدالی و ازبک بود، به فرماندهی نور محمد غلزایی و احمد خان در قلعه نظامی نادرآباد گرد هم آمدند تا پادشاهی برای خود انتخاب کنند. در این میان، سربازان افغان، «احمد خان» را به عنوان شاه برگزیدند و تمام طایفه‌ها نیز با او بیعت کردند (محمدغبار، ۱۳۶۶: ۳۵۵؛ باسورث، ۱۳۷۱: ۳۱۱؛ نوذری، ۱۳۸۰: ۳۳۱).

احمد خان پس از رسیدن به پادشاهی به خود لقب «دُرّ دُرّان» داد و بدین ترتیب سلسله وی به نام «دُرّانی» معروف شد (باسورث، ۱۳۷۱: ۳۱۱؛ افشار یزدی، ۱۳۶۰: ۱۱).

افغانستان که تا قبل از اسلام، «کابلستان و زابلستان» خوانده می‌شد و بعد از اسلام نیز، بخش غربی آن شامل کابل و قندهار، همراه با بخش اعظم شرق ایران، «خراسان» نامیده می‌شد و بخش شرقی نیز «داروه» نام داشت، با شکل‌گیری حکومت احمد شاه دُرّانی استقلال یافت و از آن زمان به علت کثرت و غلبه طوایف افغان در آنجا، به نام «افغانستان» معروف شد (شیرازی، ۱۳۷۹: ۶).

وی در تمام قبیله به «خان» معروف بود و از طرفی یگانه رئیسی بود که سپاهی منظم از چند هزار نفر داشت و خزانه بزرگی از جمله جواهر معروف «کوه نور»<sup>۷</sup> را در اختیار داشت (صدیق، ۱۳۸۴: ۱۰۴ و ۱۰۶).

<sup>۷</sup> احمد شاه دُرّانی در روز قتل نادر، الماس معروف کوه نور را از یکی زنان حرم نادر گرفته و همراه آن، جواهراتی دیگر نیز از اردوی به‌هم‌ریخته وی به دست می‌آورد (حسینی جامی، ۱۳۸۴: ۱۵).

صفوی، در زیرسلطه پادشاهان ایران زندگی کردند. تعداد آنها در این زمان، ۶۰۰۰۰ خانوار بود (لکهپارت، ۱۳۶۸: ۱۱۱).

در سال ۱۱۳۷ هجری، ابدالی‌ها به رهبری «عبدا... خان سدوزی» بر قلمروی ایران تاختند و حاکم هرات را شکست داده و چند شهر مجاور آن را به تصرف خود در آوردند. اگرچه ابدالی‌ها توانستند برای مدتی قدرت را در این نواحی به دست بگیرند، اما با روی کارآمدن سلسله افشاریه در ایران، در سال ۱۱۴۹ هجری، برای اولین بار مورد حمله نادرشاه افشار قرار گرفتند و ناگزیر به تسلیم شدند. ابدالی‌ها بار دیگر به رهبری «ذوالفقار خان» (پسر محمد زمان خان و برادر بزرگ احمد خان دُرّانی) که ریاست طایفه «سدوزایی»<sup>۸</sup> در هرات را بر عهده داشت، شورش کردند و در نهایت در جنگ با نادر عقب نشینی کرده و به سرزمین خود بازگشتند (الفنستون، ۱۳۷۶: ۴۸۲ و ۴۸۱).

پس از این نبرد، نادر بسیاری از سران قبایل و جنگجویان ابدالی، از جمله ذوالفقار خان را در سپاه خود به کار گمارد (شیرازی، ۱۳۷۹: ۷). احمد خان (برادر ذوالفقار خان) که در این زمان ۲۰ ساله بود، مورد توجه نادر قرار گرفت و در زمره افسران نظامی و قشون افغانی وی قرار گرفت و چنان اعتماد شاه را جلب نمود که عنوان فرمانده سپاهیان ابدالی و ازبکی قشون نادر و منصب یساولی را دریافت نمود و سپس نایب قوای پاسداران افغان شد (محمدغبار، ۱۳۶۶: ۳۵۴؛ صدیق، ۱۳۸۴: ۱۰۴).

با قتل نادرشاه در یازدهم جمادی الثانی سال ۱۱۶۰ هجری و بازگشت افغانان سپاه وی به سوی قندهار، تاریخ سیاسی ایران، تبدیل به پهنه جنگ و جدال‌هایی

<sup>۸</sup> طایفه سدوزایی بخشی از افغانان ابدالی بودند که علت نامگذاری آن، نام «سدو» جد بزرگ این طایفه بوده است. سدو مخفف اسدالله و زائی نیز به معنی زاده بوده که پیوند بسیاری از طوایف افغان چون بارکزیایی، محمد زائی و ... است (آذر تبریزی: ۹۶؛ افشار یزدی، ۱۳۶۰: ۱۰).

علی‌رغم تلاش‌های احمد شاه در جهت تثبیت حکومت خود در ابتدای سلطنت، به طور کامل نتوانست تسلطش را بر تمام شهرهای افغانستان بسط دهد. علاوه بر این، بسیاری از خوانین افغان در پی فرصتی بودند تا او را از بین ببرند. در راستای چنین مشکلاتی، احمد شاه با مشکل مالی نیز مواجه بود، به طوری که اگر نمی‌توانست مواجب سپاهیان خود را پردازد، به زودی این نیروی کوچک پیرامون خود را هم از دست می‌داد. در چنین شرایط بغرنجی، وی خبردار شد که تقی خان شیرازی، که منصب اختیاری مالیات دولت افشاری را بر عهده داشت، به همراه ناصرخان، حاکم کابل و پیشاور، بی‌خبر از کشته شدن نادر، مالیات‌های فراوانی را به خراسان تحویل کردند تا در خبوشان<sup>۸</sup> به نادر تحویل دهند.

با ورود آن‌ها به قندهار، احمد شاه تمام اموال آن‌ها را مصادره نمود و با ذوب طلاهای به دست آمده، سکه‌های بسیاری به نام حکومت خود ضرب کرد. مقداری از آن را نیز میان سپاهیان و نزدیکان خود تقسیم نمود، به طوری که وجود چنین ثروتی، باعث پیوستن نیروهای بیشتر به اردوی نظامی او و تبدیل حکومتش به قدرتی مستحکم گردید. احمد شاه در پرتوی چنین ثروت و قدرتی، به مطیع ساختن دیگر خوانین افغان پرداخت (حسینی جامی، ۱۳۸۴: ۱۶ و ۱۷).

او در ابتدا تلاش کرد تا محبت قبیله خود را جلب کند، زیرا به پشتیبانی و کمک آنها نیاز داشت. بر این اساس؛ زمین‌هایشان را به آنها واگذار کرد و در عوض یک گروه نظامی درخواست نمود. همچنین جهت جلوگیری از نفوذ قبایل، بزرگان را در سپاه شرکت داد (الفنستون، ۱۳۷۶: ۴۸۳ و ۴۸۴).

مهم‌ترین هدف احمد شاه، پادشاهی بر تمام ایران یا بخشی از آن بود؛ اما وجود شرایط خاص سیاسی -

اجتماعی باعث جدایی افغانستان از ایران شد. وجود حکومت‌هایی چون بازماندگان نادر در خراسان، استقرار هسته فعالیت‌های نظامی احمد شاه در شرق ایران و تکیه او بر نظام اقتصادی و اجتماعی جامعه قبیله‌ای افغانان، وجود خوانین قاجار در شمال و امرای زندیه در جنوب ایران و ... باعث شد که او متصرفات خود را در غرب گسترش دهد. به همین دلیل متوجه هند شد و این عامل باعث جدایی ایران و افغانستان گردید (متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۱۴۵).

احمد شاه دُرّانی پس از ۲۷ سال سلطنت بر افغانستان، در سال ۱۱۸۷ هجری، بر اثر بیماری سرطان درگذشت (الفنستون، ۱۳۷۶: ۴۹۵). پس از مرگ او تا ۴۵ سال، رقابت و کشمکش میان مدعیان حکومت ادامه یافت و در نهایت پسرش تیمور شاه، حکومت را به دست گرفت و پایتخت را از قندهار به کابل منتقل نمود (لوئیس، ۱۳۶۸: ۱۶۴).

در دوره سلطنت ۲۰ ساله تیمور شاه، علی‌رغم وجود ملوک الطوائف و فئودال‌های بزرگ، حکومت مقتدری ایجاد شد که در تلاش بود نفوذ دولت را جانشین رسوم قبیله‌ای سازد (محمدغبار، ۱۳۶۶: ۳۷۷).

پس از تیمور شاه، فرزندش زمان شاه حکومت را در دست گرفت. مدت کوتاه سلطنت زمان شاه مصادف با حوادث بزرگی مثل انقلاب فرانسه و تشکیل دولت قاجاریه در ایران بود (شیرازی، ۱۳۷۹: ۲۶).

زمان شاه، علاوه بر آنکه میان دربار و دُرّانیان فاصله ایجاد کرد، با اقدامات نادرست و شتاب زده‌اش برای فتح هند، شکست خورد و با شورش شاه محمود، برکنار شد (الفنستون، ۱۳۷۶: ۵۰۶).

اگرچه، محمود شاه در پایتخت بود؛ اما عملاً بسیاری از ولایات تحت فرمان او نبودند؛ به طوری که هرات در دست برادرش فیروز بود و ولایات شمالی هنوز طرفدار زمان شاه بودند (الفنستون، ۱۳۷۶: ۵۱۸) و «شاه شجاع»، اصلی‌ترین رقیبش به‌شمار می‌رفت (الفنستون، ۱۳۷۶: ۱۳۷۶).

<sup>۸</sup> خبوشان: شهری در خراسان و نزدیک نیشابور؛ قوچان امروزی



۱۳۷۹: ۴۸)، بر بالای فرمانی خطاب به خوانین ترکمان، این جمله سجع را آورد: «الحکم الله، یا هو یا فتاح، احمد شاه درّ دُرّانی، ۱۱۶۵ هجری) (افشار یزدی، ۱۳۶۰: ۱۱). در کتاب سکه‌های ضربی (چکشی) ایران، به اشعاری که بر روی سکه‌های دُرّانی نقر گردیده، اشاره شده است که در ادامه آمده‌اند، اما با توجه به اینکه نگارنده سندهای دیداری خود را تنها از موزه سکه‌های حیدرزاده در یزد انتخاب نموده است، بنابراین، تنها ۱۲ عدد از سکه‌های نقره در این مجموعه یافت شد. امید است که با مطالعه و تحقیقات بیشتر در دیگر موزه‌ها بتوان این پژوهش را در آینده تکمیل کرد (فرح بخش، ۱۳۵۴: ۱۱۸-۱۱۳).

#### (سکه‌های احمد شاه دُرّانی):

سکه زد بر هفت کشور چتر زر چون مهر و ماه  
وارث ملک سلیمان گشت احمد پادشاه  
حکم شد از قادر بی چون باحمد پادشاه  
سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا به ماه

#### (سکه‌های تیمور شاه دُرّانی):

باز از نو شد سکه بر زر بتوفیق اله  
بنام سلطان جهان تیمور شاه  
سکه زد بر زر بتوفیق اله  
نام سلطان جهان تیمور شاه

#### (سکه‌های زمانشاه دُرّانی):

زرو سیم شد مهر و ماه در جهان  
بنام زمان شاه شاه زمان  
سکه بر سیم وزر بحکم الهی  
زمان شاه یمین و یساری  
قرار یافت بحکم خدای هر دو جهان  
رواج سکه دولت بنام شاه زمان

(۵۲۱).

ایرانی‌ها نیز از نابسامانی اوضاع سلطنت افغانستان استفاده کردند و فتح خراسان را حتمی نمودند. مشهد به عنوان آخرین مکان تسخیر شده، تحت حکومت یکی از پسران فتحعلی شاه قرار گرفت. در همین زمان، شاه شجاع از فرصت استفاده کرد و پیروزمندان وارد کابل شد (الفنستون، ۱۳۷۶: ۵۲۵ - ۵۲۱).

هرچند در این میان، جنگ‌های قبیله‌ای سراسر افغانستان را فرا گرفت و دولت مرکزی نیز قدرت خود را از دست داد و سراسر افغانستان در دست فئودال‌ها و ملوک الطوایف‌ها افتاد (محمد غبار، ۱۳۶۶: ۳۹۵).

#### سکه‌های دُرّانی‌ها در ایران

در خصوص ضرب سکه توسط سلسله دُرّانی‌ها، در بعضی از منابع چنین آمده: زمانی که احمدشاه به مدت ۶ ماه، مشهد را در محاصره قرار داد، شاه‌رخ افشاری توان مقاومت نیافت و از در مصالحه با احمد شاه درآمد. او مبلغ گزافی به عنوان «نعل بها»<sup>۱</sup> پرداخت و توافق کرد که در مشهد، سکه و خطبه به نام احمد شاه و مهر فرامین، ارقام و احکام به نام شاه‌رخ باشد. بنابراین سکه‌هایی بدین مضمون در مشهد ضرب گردید: حکم شد از قادر بی چون به احمد شاه  
سکه زن از سیم و زر از موج ماهی تا به ماه  
و بر روی مهر شاه‌رخ نیز این بیت نقر گردید:  
یافت از الطاف احمد پادشاه

شاه‌رخ بر تخت شاهی تکیه‌گاه  
(متولی حقیقی، ۱۳۸۳: ۱۳۰)  
اما اکثر منابع تنها به این نکته اشاره دارند که: احمدشاه پس از رسیدن به قدرت، در راستای تعمیم دادن نام دُرّانی بر سلسله خود، علاوه بر ضرب سکه (شیرازی،

<sup>۱</sup> نعل بها: مالی که فدیه ولایت خود به لشکر دشمن قوی دهند تا تاراج نکند (فرهنگ دهخدا).

**(سکه‌های محمود شاه دُرّانی):**

سکه بر زر زد بتوفیق اله

خسرو گیتی ستان محمود شاه

نکته‌های جالبی که در تمامی این سکه‌ها مشترک

است:

۱- تمامی سکه‌ها حاوی ابیات فارسی است و از به‌کار

رفتن شعارهای شیعی و یا گرایش‌های مذهبی در آن

خبری نیست.

۲- تمامی آنها مزین به خط نستعلیق است و به نوعی

وامدار و ادامه دهنده سکه‌های افشار به شمار

می‌روند.

۳- تمامی سکه‌ها تنها در مشهد ضرب شده‌اند و در

بعضی از موارد، نام ضرابخانه در تریج تزئینی دیده

می‌شود.

اما بر روی بعضی از سکه‌ها، شعار (الخیر فیما وقع)

که تنها در زمان نادرشاه افشار بکار می‌رفته، به چشم

می‌خورد که نشان دهنده وضع نابسامان مالی در اوایل

حکومت احمد شاه است و بر پشت سکه‌های نادر، انگ

جدید (سورشارژ) زده است. اگرچه منابع مکتوب به

ضرب سکه طلا و مس در این زمان اشاره کرده‌اند، اما

نگارنده در این مجموعه، تنها به سکه‌های نقره برخورده

است که وزن‌های به نسبت یکسانی داشتند. بعضی از

منابع اشاره دارند که وزن سکه‌های نقره در این زمان دو

مثقال و چند نخود به ارزش پنجاه فلوس مس بوده است

(محمد غبار، ۱۳۶۶: ۳۶). این خود بیانگر تعادل مالی در

فاصله بین تقریباً یک قرن در ناحیه خراسان است.

سکه‌های موجود در موزه سکه‌های یزد (حیدرزاده) :

۱- سکه تیمور شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۳۵

وزن: ۱۱.۴۱ گرم

قطر: ۲/۲ سانتی‌متر

سکه زد بر زر بتوفیق اله

نام سلطان جهان تیمور شاه (تصویر ۱)

۲- سکه تیمور شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۳۶

وزن: ۱۱.۳۹ گرم

قطر: ۲/۳ سانتی‌متر

سکه زد بر زر بتوفیق اله

نام سلطان جهان تیمور شاه (تصویر ۲)

۳- سکه تیمور شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۳۷

وزن: ۱۱.۴۵ گرم

قطر: ۲/۳ سانتی‌متر

سکه زد بر زر بتوفیق اله

نام سلطان جهان تیمور شاه (تصویر ۳)

۴- سکه محمود شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۳۸

وزن: ۱۱.۱۵ گرم

قطر: ۲/۱ سانتی‌متر

سکه بر زر زد بتوفیق اله

خسرو گیتی ستان محمود شاه (تصویر ۴)

۵- سکه زمان شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۳۹

وزن: ۱۱.۴۵ گرم

قطر: ۲/۲ سانتی‌متر

زر و سیم شد مهر و ماه در جهان

بنام زمان شاه شاه زمان (تصویر ۵)

۶- سکه احمد شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۴۰

وزن: ۱۱.۴۴ گرم

قطر: ۲/۴ سانتی‌متر

حکم شد از قادر بیچون باحمد پادشاه

سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا بمه [۱۱۷۴]

هجری] در پشت سکه : میمنت مانوس الخیر فیما وقع

[۱۵...] (تصویر ۶)



بنام زمان شاه شاه زمان [۱۲۱۴ هجری] (تصویر ۱۱)

۱۲- احمدشاه دُرّانی

شماره ثبت: ۴۲۴۱

وزن: ۱.۱۵ گرم

قطر: ۱ سانتی‌متر

حکم شد از قادر بیچون باحمد پادشاه

سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا بماه (تصویر ۱۲)

### نتیجه‌گیری

احمد شاه، به سبب خدمت طولانی خود در دستگاه حکومت نادرشاه، با تشکیلات اداری و لشکری وی آشنا بود و به همین دلیل، نظام اداری قلمروی خود را مطابق با آن سازمان داد و زبان فارسی را زبان رسمی و اداری حکومت و حتی القاب و مناصب صفوی را برای نیروهای خود انتخاب کرد. منابع تاریخی حکومت احمد شاه را آمیزه‌ای از تشکیلات مغولی- صفوی و نظام فئودالی- قبیله‌ای افغان می‌دانند؛ او در امور اداری و نظامی پیرو تشکلات صفوی و نادری بود و حتی سپاهی موسوم به قزلباش داشت. این امر، در کتیبه‌های به‌کار رفته در سکه‌های وی نیز به خوبی قابل مشاهده است.

### منابع

آذر تبریزی، مجتبی (۱۳۸۴)، «تاریخنامچه احمد شاه دُرّانی، بنیان‌گذار نخستین حکومت افغانستان»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، سال ۸، شماره ۱۲.  
افشار یزدی، محمود (۱۳۶۰)، *افغان نامه*، ج ۲، تهران: مجموعه انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات دکتر محمود افشار.

الفنستون، مونت استوارت (۱۳۷۶)، *افغانان، جای، فرهنگ نژاد* (گزارش سلطنت کابل)، ترجمه محمد آصف فکرت، مشهد: آستان قدس رضوی و بنیاد پژوهش‌های اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۶.  
باسورث، کلیفورد ادموند (۱۳۷۱)، *سلسله‌های اسلامی*

۷- سکه احمدشاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۴۱

وزن: ۱۱.۵۰ گرم

قطر: ۲/۳ سانتی‌متر

حکم شد از قادر بیچون باحمد پادشاه

سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا بماه (تصویر ۷)

۸- سکه احمد شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۴۲

وزن: ۱۱.۳۶ گرم

قطر: ۲/۲ سانتی‌متر

حکم شد از قادر بیچون باحمد پادشاه

سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا بماه [۱۱۷۰ هجری] در پشت سکه: میمنت مأنوس الخیر فیما وقع

(تصویر ۸)

۹- سکه احمد شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۴۳

وزن: ۱۱.۴۸ گرم

قطر: ۲/۱ سانتی‌متر

حکم شد از قادر بیچون باحمد پادشاه

سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا بماه (تصویر ۹)

۱۰- سکه احمد شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۴۴

وزن: ۱۱.۱۴ گرم

قطر: ۲/۳ سانتی‌متر

حکم شد از قادر بیچون باحمد پادشاه

سکه زن بر سیم و زر از اوج ماهی تا بماه

[۱۱۷۳ هجری] در پشت سکه: میمنت مأنوس الخیر

فیما وقع [۱۱۴۰] (تصویر ۱۰)

۱۱- سکه زمان‌شاه دُرّانی

شماره ثبت: ۳۱۳۶

وزن: ۱۱.۵۴ گرم

قطر: ۲/۲ سانتی‌متر

زر و سیم شد مهر و ماه در جهان



گانکوفسکی، یو. و (۱۳۴۷)، *لشکر و نظام لشکر شاهان دُرّانی*، کابل: آریانا، ج ۲۶.

لوئیس، مری و کلیفورد با سورت (۱۳۶۸)، *سرزمین و مردم افغانستان*، ترجمه مرتضی اسعدی، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

لین پل، استانلی (۱۳۶۳)، *تاریخ طبقات سلاطین اسلام*، ترجمه عباس اقبال، تهران: دنیای کتاب، چاپ دوم.

متولی حقیقی، یوسف (۱۳۸۳)، *افغانستان و ایران* (پژوهشی پیرامون روابط سیاسی و چالش‌های مرزی از احمدشاه دُرّانی تا احمد شاه قاجار)، چاپ اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

محمد غبار، میرغلام (۱۳۶۶)، *افغانستان در سیر تاریخ*، کابل: نشر انقلاب.

نوذری، عزت‌اله (۱۳۸۰)، *تاریخ اجتماعی ایران از آغاز تا مشروطیت*، چاپ اول، تهران: خجسته.

ترجمه فریدون بدره‌ای، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.

حسین جامی، محمود (۱۳۸۴)، *تاریخ احمد شاهی* (تاریخ تشکیل اولین حکومت افغانستان)، تصحیح غلامحسین زرگری نژاد، تهران: مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۴ و مسکو: ۱۹۷۴ م.

شیرازی، سید حسین (۱۳۷۹)، *تاریخ دُرّانیان*، تصحیح: میرهاشم محدث، تهران: مرکز اسناد و تاریخ دیپلماسی و انتشارات وزارت امور خارجه.

صدیق، میرمحمد (۱۳۸۴)، *افغانستان در پنج قرن اخیر*، ج ۱، قم: انتشارات محمد وفایی، چاپ دوم.

فرح بخش، هوشنگ (۱۳۵۴)، *سگه‌های ضربی* (چکشی)، برلن غربی - آلمان: نوین فرح بخش و پسران.

کلهارت، لارنس (۱۳۶۸)، *انقراض سلسله صفویه و ایام استیلای افغانه در ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد، تهران: مروارید.

### پیوست تصاویر



تصویر ۲: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۴: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۳: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۶: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۵: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۸: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۷: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۰: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۹: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۲: (مأخذ: نگارنده)



تصویر ۱۱: (مأخذ: نگارنده)